

## اصلاح و بهینه سازی فرآیند تخصیص ارز ترجیحی به واردات کالای اساسی<sup>۱</sup>

دولت در سال ۱۴۰۲ نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار منابع ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز را به منظور تامین رفاه عمومی، در قالب ارز دولتی با نرخ ترجیحی در اختیار واردات کالاهای اساسی کشاورزی قرار داد. فارغ از موضوع تعیین نرخ این ارز که بیش از تصمیم کارشناسی از عوامل سیاسی اثر می‌پذیرد، تخصیص این منابع «پیش از ورود کالا به کشور» با اتلاف و روبروست. کاهش این اتلاف می‌تواند اثربخشی نهایی این یارانه ارزی بر رفاه عمومی را بیفزاید.

### بیان مسأله

نرخ گذاری متفاوت ارز تأمین کالاهای اساسی از محل منابع متعلق به دولت برای تامین رفاه عمومی در مقاطع خاص که البته باید بازه زمانی و دوره برون‌رفت مشخص داشته باشد و در تعارض با سیاست های تولیدی نباشد، یک تصمیم منطقی محسوب می‌شود که اثرگذاری آن در برخی زنجیره‌ها همچون خوراک مرغ روشن است. با این حال، این اقدام دولت به معنای پرداخت غیرمستقیم یارانه در قالب ارز ارزان قیمت و قرار دادن این منابع یارانه‌ای در اختیار واردکنندگان است. در سال ۱۴۰۲ هزینه-فرصت ریالی دولت برای تأمین ارز ۲۸۵۰۰ تومانی واردات کالای اساسی کشاورزی، معادل پرداخت بیش از ۱۳۰ همت یارانه بوده است. بنابراین در تخصیص ارز ترجیحی باید ملاحظات کافی مد نظر قرار بگیرد تا از اتلاف این منابع جلوگیری شود.

مهم‌ترین ملاحظه، فاصله نرخ ترجیحی با نرخ بازار رسمی ارز است که باید معقول باشد. فاصله زیاد این دو نرخ موجب می‌شود سود واردات کالای اساسی آنچنان جذاب شود که افراد غیر خبیره نیز متقاضی واردات کالای اساسی شوند و کارآیی شبکه واردات با افت جدی مواجه شود. ضمناً لازم است مدیریت متمرکز و هوشمند بر شبکه واردات پیش و پس از ورود کالا به کشور از سوی دولت اعمال شود تا از اتلاف منابع ارزی و عدم اصابت آن به مصرف کننده نهایی جلوگیری شود.

### تحلیل

ناکارآمدی تخصیص ارز ترجیحی ناشی از عواملی است که در ادامه اختصاراً بیان می‌شود:

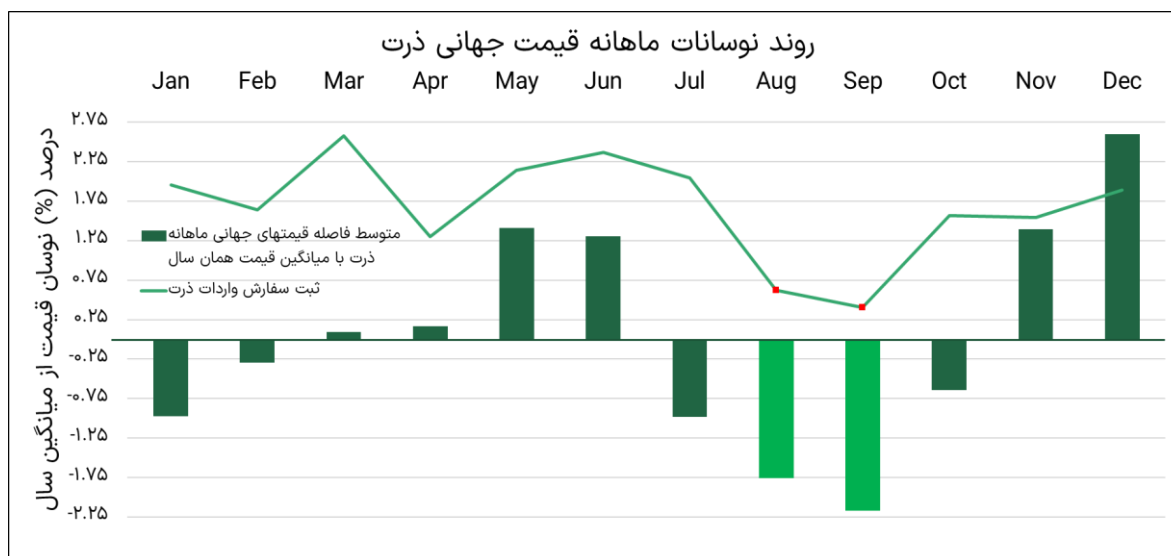
(۱) تأمین نابه‌هنگام ارز ترجیحی موجب می‌شود واردکنندگان پیش از دریافت ارز از سوی دولت، مجبور به تسویه حساب با فروشنده شوند. واردکننده برای این کار ناگزیر از مراجعه به بازار غیررسمی ارز و دریافت حواله‌های کلان در قالب تسهیلات کوتاه مدت (در حال حاضر ۴ ماهه) است که عملاً در مقاطعی فشار شدیدی به بازار ارز وارد می‌کند و آثار منفی بر نرخ ارز می‌گذارد. ضمن آنکه واردکننده تلاش می‌کند هزینه این تاخیر را در قیمتگذاری واردات دوره‌های بعد لحاظ کند و لذا عملاً به هزینه‌های دولت افزوده می‌شود.

(۲) قیمت‌گذاری ناصحیح خرید کالا توسط دولت اتلاف شدیدی در منابع ارزی ایجاد می‌کند. آمارها نشان می‌دهد بیشترین ثبت سفارش واردات در فصل‌هایی انجام می‌شود که نرخ جهانی کالاهای خریداری شده بالاست. با وجود اینکه بازرگانان به صورت عقلانی هزینه واردات خود را با خرید در فصول ارزانی کاهش می‌دهند، اما به هنگام درخواست ارز از دولت در زمان گرانی، بیشترین هزینه را به دولت تحمیل می‌کنند. مدیریت هوشمند قیمت ارزی واردات و تعیین آن بر اساس شاخص‌های درست و سیاستگذاری جهت واردات کالا در فصل ارزانی، می‌تواند سالانه

<sup>۱</sup> تهیه شده توسط محمدمهدی فامیل محمدی کارشناس گروه کشاورزی اندیشکده اقتصاد مقاومتی؛ مرداد ۱۴۰۳ (دارای منابع و تحقیقات پشتیبان)



حدود ۵۰۰ میلیون دلار صرفه جویی ارزی رقم بزند. نوسانات قیمت جهانی ذرت در طول سال در نمودار زیر مشخص است که نشان می دهد ثبت سفارش عمدتاً در فصل گرانی انجام می شود.



۳) انحصار واردکنندگان بزرگ با توجه به تأخیر همیشگی دولت در تأمین ارز، موجب می شود این افراد همواره مبالغ کلانی از دولت طلبکار باشند و دست برتر را نسبت به دولت داشته باشند. به همین دلیل در مقابل تلاش دولت برای کارآمدسازی شبکه واردات و کاهش هزینه های ارزی مقاومت می کنند و دولت در صورت اقدام برای اصلاح قیمتگذاری ارزی کالا، با تهدید عدم تأمین نیاز بازار مواجه می شود.

### راهبردهای پیشنهادی

تجربه حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در سال ۱۴۰۱ نشان داد تا زمانی که زیرساخت های پرداخت مؤثر این یارانه به مصرف کننده نهایی موجود نیست و دولت برای استفاده از ظرفیت حذف ارز ترجیحی، یک برنامه تولیدمحور مبتنی بر زنجیره هایی که تحت تاثیر حذف قرار می گیرند ندارد، حذف ارز ترجیحی سریعاً منجر به ایجاد یک نرخ ترجیحی جدید می شود. با این حال، به منظور اصلاح و بهینه سازی فرآیند تخصیص ارز ترجیحی و حداکثر بهره برداری از این سیاست در زمانی که اجرا می شود، موارد زیر ضروری است:

- تدوین بودجه ارزی برای پیش بینی میزان نیازهای ارزی در گروه کالایی های مختلف و تأمین به هنگام آن؛
- کنترل شبکه واردات با انحصارزدایی از واردکنندگان و قیمتگذاری هوشمند؛
- تنوع بخشی به مبادی تأمین و شیوه های تسویه ارزی واردات کالای اساسی به منظور کاهش هزینه واردات؛
- حرکت به سمت خرید مستقیم، پیش خرید، تهازر نهاده های کشاورزی با محصولات نهایی، قرارداد بلندمدت واردات و در مجموع حذف واسطه گران بین المللی به منظور کاهش هزینه واردات؛
- کاهش تخصیص ارز ترجیحی در راستای یک برنامه تولیدمحور به مرور زمان جهت جلوگیری از ایجاد فاصله با نرخ رسمی ارز و ممانعت از شوک درمانی در حذف ارز ترجیحی؛